

آنکه می‌گفت حرکت مُرد در این وادی خاموش و سیاه، برود شرم کند!

در هفته های اخیر خروش سهمگین امواج دریای خشم توده ها سیلی محکم دیگری بر چهره سیاه دیکتاتوری حاکم نواخت. طغیان خشم میلیونها تن از توده های ستمدیده و در زنجیری که داغ ظلم و ستم ناشی از 30 سال حاکمیت جبارانه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را بر گرده می کشند، در اعتراض به صندوقهای از پیش پر شده برای انتصابات حکومتی، رعشه بر اندام ستمکاران جنایتکار انداخت و فریادهای "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر این دولت مردم فریب"، "مرگ بر خامنه ای"، "مرگ بر رهبر"، "می کشم، می کشم آن که برادرم کشت" و بالاخره "وای بروزی که مسلح شویم" آنها زمین را در زیر پای استثمارگران حاکم لرزاند.

غداره بندان حاکم که می کوشیدند با نمایش فریبکارانه حضور وسیع توده ها در پای صندوقهای از پیش پر شده خود، خود را رژیمی دمکراتیک و صاحب پایگاه توده ای جلوه دهند، در مواجهه با ابعاد انزجار مردم از نظام حاکم، بسیار سریع نمایش فریبکارانه "دمکراسی" شان را نیمه کاره رها ساخته و با گشودن آتش بر روی تظاهر کنندگان و به خاک و خون غلطاندن صد ها تن از جوانان و نوجوانان معترض و به پا خاسته نمایش انتخاباتی خود را در عرض چند روز تکمیل کرده و ماهیت ضد خلقی خود را به عیان ترین وجهی در معرض دید افکار عمومی قرار دادند.

سران رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی پنداشتند که با کشتار توده های به پا خاسته از یکسو و با تلاش برای مهار زدن به آتش خشم مردم بجان آمده توسط به میدان فرستادن جلادان و فریبکارانی همچون موسوی و کروبی (دژخیمان و قاتلین یک نسل از بهترین فرزندان مردم ایران در دهه 60) در لباس "اصلاح طلب" و "جنبش سبز" از سوی دیگر، خواهند توانست این بار نیز صدای حق خواهانه کارگران و توده های ستمدیده را بسرعت در گلو خفه کرده و "آشوب" و "فتنه" استثمارشدگان بر علیه صاحبان زر و زور را بخواهاند. اما زهی خیال باطل! چرا که جنبشی که با مارش میلیونی خود شعله کشید، با خون صد ها شهید و هزاران مجروح و ناپدید شده و اسیر، و با فریاد خشم و نفرت توده های تحت ستمی که خواهان از بنیاد برافکندن کلیت نظام استثمارگر حاکم هستند بسرعت "سرخ" شد و این "موج" در تداوم خود نشان داد که به رغم تمام تشبثات دشمن و مرتجعین به آسانی "سر بازگشت" ندارد.

امروز تا همین جا نیز توده های زحمتکش و به پا خاسته به دشمن زبون و خونخوار نشان داده اند که تاریخ را به جلو برده اند و خیزش آنها هر سرنوشتی که پیدا کند اما تاریخ را نمی توان به عقب بازگرداند. در شرایطی که دشمن در طول سالها می کوشید با سردادن بانگ قدر قدرتی خویش، هر گونه جوانه های امید را با داس سرکوب به خاک بنشانند، در شرایطی که رژیم حاکم با رژه شبانه روزی هزاران تن از مزدوران جیره خوار و سرکوبگر خویش در خیابانهای شهر ها و روستا ها تلاش می کرد هر گونه فکر به مبارزه انقلابی و ایجاد تغییر در زندگی کارگران و زحمتکشان و توده های محروم را نابود ساخته و توده ها را مرعوب و تسلیم اراده استثمارگران کند؛ و در شرایطی که فریبکاران و سازشکاران عافیت طلب رنگارنگ با جاودان پنداشتن عمر ستم، ضمن تسلیم خویش به تبلیغات پوچ طبقه حاکم و هزاران صفحه تحریف تاریخ توسط آنان، در سرزنش مبارزه و مقاومت توده ها سیاه نویسی ها کردند و ناامیدی را تبلیغ و ماشین گفتمان سازی های ضد انقلابی حکومت را روغن کاری نمودند، جنبش جاری با نمایش قدرت خود همه کاسه کوزه های جلادان را در هم ریخت و اوج پوسیدگی و فساد این حکومت و کل سیستم حاکم را به نمایش گذارد؛ به این ترتیب در آخرین ماه بهار، از عطر پایداریها و شجاعت

عزیزان جان باخته در این خیزش انقلابی نسیمی تازه بر سرزمین تحت سلطه ما وزید و خونی تازه در رگهای استعمارشدگان و محرومان جاری شد.

یاد تمامی توده های دلاور، جوانان، اسرا و بویژه زنان دلیری که در صف مقدم این مبارزه با فریاد "مرگ بر دیکتاتور"، "نترسید، نترسید، ما همه باهم هستیم" و "ما زن و مرد جنگیم، بجنگ تا بجنگیم" قدر قدرتی استبداد حاکم را به سخره گرفتند و در مقابل مزدوران و بسیجیان شب پرست سینه افراشته و حتی جان خود را نثار آزادی و رهایی مردم ما از سلطه جنایتکاران حاکم کردند را گرامی می داریم و پیام بهاری آنان را پژواک می دهیم که با برافراشتن پرچم آزادی فریاد زدند هر آنکه باد بکارد طوفان درو خواهد کرد!